



## چَشک حلال

روزی جوانی با ملامجازی، ملای قریه گوسفندی سرخورده و متوجه شد بروت های ملا مجازی بسیار دراز و کشال شده و لبانش را کاملاً پوشیده است، از ملا پرسید: مولوی صایب بروتای تان بسیار دراز شده آیا رواس؟

ملا مجازی گفت جوان، ای یک گپ داره!

جوان: چه گپ داره؟

ملا مجازی: جوان گپ پیش خودت باشه که فلک خبر نشه، وختیکه بنگاو می زنم، باز بروتایم گرد بنگاوه میگیره.

جوان: خو ملا صایب تو ملام هستی باز بنگاو میخوری؟

ملا مجازی: جوان، یام یک گپ داره!

جوان: چه گپ داره؟

ملا مجازی: پیش از اینکه بنگاو بزوم، شراب میخوردم، باز یک دوست بریم گفت که ملا شراب که میخوری نشه میشی خو خی، دانت بوی میته و مردم قریه گوسفندی باز سرت میفامن.

جوان: خو! شرابام میخوردی و ملام بودی؟

ملا مجازی: یام یک گپ داره!

جوان: باز چه گپ داره؟

ملا مجازی: پیش از اینکه شراب بخورم، چرس میکشیدم، دوستی برم گفت که، چرس نکش که مغزته خراب میکنه، شراب بزوم که عجب مستی داره؛ باز همو بود که شراب خوردم.

جوان: بنگاو، شراب و چرس و ملا؟

ملا مجازی: یام یک گپ داره!

جوان: باز چه گپ داره؟

ملا مجازی: پیش از اینکه چرس بکشم، تریاک میخوردم و راستی راستی بسیار زرد و زار شده بودم، بازهمو بود که یک دوست برم گفت که تریاک چیس، چرس بزنی که عجب کیف داره، مام تریاکه ترک کده و چرسه شروع و تادود بند پیش رفته بودم که متوجه شدم سردردی پیدا کده و اعصاب خرابیم زیاد شده میره، باز همو بود که گپ دوست خوده قبول کده و چرسه بند و شرابه شروع کدم.

جوان: عجب، اول تریاک، باز چرس، باز شراب و باز بنگاو همه ره نوش جان کده و ملای قریه هم هستی؟

ملا مجازی: جوان، ملا شدن مام یک گپ داره!

جوان: چی گپ داره؟

ملا مجازی: ایتو بود که مه پیش از اینکه ملای مسجد شوم، ده مسجد همیشه ده آخر قطار ایستاده میشدم و باز بوت های مردم گم میشد. اونمو بود که مردم قریه دست خوده یکی کده و مره از آخر صف به پیش روی صف بردند و مه شدم ملا. از همو روز به باد بوتها و چپلیای مردم دگه گم نمیشه.

جوان: خو ملا صایب کتی ای عاداتی خوبت، نگفتی که راستی اصلن از کجاستی؟

ملا مجازی: از پشته سلیمی.

جوان: پس ده قریه گوسفندی چی میکنی؟

ملا مجازی: چپته بگی که طالیم بر کده و نانم ده روغن اس. خودت فکر کو! اگه ایتو نمی بود مه ملای قریه میشدم؟ تو خبر نداری چند روز شده که مه ملک قریام شدیم.

جوان: تو چوقت ملک قریه گوسفندی شدی؟ زورت به ای کار میکشه؟

ملا مجازی: آه وی، چتونوی! وختی سر بنگ که مفرح بزنی ایتو قمچین میکنه که صد تا سلطان ده پیش چشمایت سلامی میزنن، صد تا شماره ده یک دقه آباد و برباد میتانی، باز کار یک قریه چیس، جوان!

جوان: ملا جان خبر شدیم خوده به لست پاچاهییام نوشته کدی؟

ملا مجازی:

آ بادار، وختی یک قریه نفر پشتم باشه حتمن برنده میشم،

جوان: عجب ملا صایب تو با یک قریه میخایی پاچا شوی؟

ملا مجازی: چرا چی مشکل داره؟ دیگا نیم قریام ندارن اما دنگ و دول شان کل دنیا ره گرفته.

جوان: کت کسی گپایته شریک کدی؟

ملا مجازی: آه کمیته دفاع دارم.

جوان: ملا صایب کمیته دفاع! کمیته دفاع بری چی؟

ملا مجازی: نمی فامم برم جور کدن، گفتن که وضع ده وطن جنگیس، باید توام کمیته دفاعی داشته باشی، چند میل تفنگ و چند تا تانگ و توپام ده ملک های بالا بریم فرمایش دادن. کمیته دفاع بیدون ای گپا نمیشه. چی فکر کدی مه خو کدام آدم پخپل سر نیستم که سر پخپل کارا کنم. حالی چند تا مشاور دارم، ایتو مشاورای که از ای سوی گپا درامده و از اوسوی گپا برامدن.

جوان: ملا صایب ای کارای کته، خرچ کته به کار داره، از کجا میکنی؟

ملا مجازی: مه وخت سر قلفی چوکیای حکومته جم کدیم از همی آلی مالومس که کی وزیر کجاس، ای پیسه به نظرت نمایه. پیسی انتخاباتم ورسره، یگان کمک مومکام میشم، تو تشویش نکو جوان، مه هیچ نخص نمیکنم، هیچ که نشد باز رای مامله خو واز اس،

جوان: حالی فامیدم که چرا روز قریه به نمیشه.

ملا مجازی: غم نخو جوان مه که پاچا شدم حتمن یک کار کلان میکنم، اگه قریه ره آباد نکدم خاطر جم باش که خوده حتمن آباد میکنم، اگه توام سخنگویم شوی، غم ترام میخورم.

جوان: ملا صایب مه رفتم.

ملا مجازی: میری برو مگم خوب فکرایته کو، هوش کو که نه شرمی، چشک حلالس.

جوان: عجب! چشک حلالس، چشک حلالس چشک حلالس.....

آزاد